

بررسی قدرت پیش بین هوش هیجانی و مولفه های آن بر میزان رضایتمندی زناشویی زوجین

جوان

زهرا نورمحمد بخشانی^۱، رضا ایمانخواه^۲، عزیزا... مجاهد^۳، محسن حیدری مکرر^۴

۱- دانشیار روانشناسی بالینی، بیمارستان بهاران، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زاهدان، زاهدان، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زاهدان، (نویسنده مسئول)، زاهدان، ایران

imankhahreza@yahoo.com

۳- استادیار روانشناسی بالینی، بیمارستان بهاران، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زاهدان، زاهدان، ایران

۴- استادیار روانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی زابل، زابل، ایران

چکیده:

مقدمه: اعتقاد بر این است که هوش هیجانی (EQ) بر رضایتمندی زناشویی تأثیر می گذارد. این مطالعه به منظور بررسی قدرت پیش بینی، هوش هیجانی بر رضایتمندی زناشویی از زوجین جوان در شهرستان زابل انجام شد.

روش کار: در این پژوهش ۱۰۰ زوج (۱۰۰ مرد و ۱۰۰ زن) از افرادی که در ۶ ماهه اول سال ۹۱ جهت ازدواج به مرکز مشاوره مراجعه نموده بودند به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه هوش هیجانی و پرسشنامه رضایتمندی زناشویی جمع آوری گردید و سپس با نرم افزار spss و با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد که بین هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی در هر دو جنس زنان ($r, p = 60\% > 0.0001$) و مردان ($r, p = 74\% > 0.0001$) رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. قدرت پیش بینی هوش هیجانی برای پیش بینی رضایتمندی زناشویی از نظر آماری معنی دار بود و این قدرت پیش بینی برای مردان بالاتر از زنان بود. و همچنین به ترتیب مولفه های کنترل تنش، بین فردی و درون فردی در مردان و مولفه خلق خوی عمومی در زنان بیشترین همبستگی را با رضایتمندی زناشویی داشتند.

نتیجه گیری: از آنجا که ارتباط مثبت بین هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی در زوجین جوان وجود دارد، بنابراین هوش هیجانی باید به عنوان یک متغیر مهم و تأثیر گذار برای بهبود رضایت زناشویی در افرادی که تصمیم به ازدواج دارند، در نظر گرفته شود. تمرکز بر روی هوش هیجانی در ارزیابی و ارائه خدمات مشاوره برای زوجین قویاً پیشنهاد می گردد.

کلید واژه ها: هوش هیجانی، رضایتمندی زناشویی، زوجین جوان، زابل.



مقدمه

تداوم این ارتباط مؤثر باشد، همواره مورد توجه بوده و با پیچیده شدن جوامع و پیچیدگی زندگی، نیاز به پژوهشهای تازه تر احساس می شود (۱).

سلامت خانواده و سلامت اجتماع لازم و ملزوم یکدیگرند. پس برای داشتن جامعه ای سالم، باید به سلامت نخستین واحد اجتماع، یعنی سلامت خانواده اهمیت داد. از طرفی دیگر هر نوع نابسامانی و یا عدم رضایت در خانواده و میان زن و شوهر نه فقط بر زندگی خود آنها، بلکه بر

خانواده، کهن ترین هسته اجتماعی است که از بدو پیدایش بشر وجود داشته و کانون تربیت فرزندان، باعث حفظ سنتهای اجتماعی و عامل استحکام روابط در زندگی انسانها بوده است. انسان موجودی اجتماعی است و وجود دو عنصر زن و مرد و زندگی مشترک آنها با یکدیگر، از ابتدا در جوامع بشری دیده شده است. بررسی عوامل تسهیل کننده در ارتباط بین زن و شوهر و عواملی که در

توانایی‌ها نیمه مستقل باشند، احتمال دارد الگوهای هوش هیجانی بین افراد متغیر باشد؛ یعنی ممکن است یک فرد در یک موضوع توانایی بالا و در دیگری توانایی کم‌تری داشته باشد؛ در حالی که فرد دیگری الگوی متضادی را نشان دهد (۵). Baron هوش هیجانی را به صورت "مجموعه‌ای از توانایی‌ها، کفایت‌ها و مهارت‌های غیر شناختی که توانایی فرد را برای کسب موفقیت در مقابله با مقتضیات و فشارهای محیطی تحت تأثیر قرار می‌دهد" تعریف کرد (۶). به نظر Baron، هوش هیجانی پیش‌بینی موقعیتهای فرد را میسر می‌سازد و اندازه‌گیری آن به مقوله سنجش توانایی فرد برای سازگاری با شرایط زندگی و ادامه حیات در جهان است (۷).

بنا به نظر Fitness هوش هیجانی یا حداقل برخی از جنبه‌های آن ظرفیت غنی‌سازی یک ازدواج توأم با رضایت و سازگاری مطلوب و با ثبات را دارد، و افراد دارای هوش هیجانی بالاتر در مقایسه با افراد با هوش هیجانی پایین، رضایتمندی زناشویی بیشتری را تجربه می‌کنند (۸). در نتیجه، یافتن نشانه‌های بی‌کفایتی عاطفه، خطوط فکری یا رفتار اشتباهی که می‌تواند یک زوج را به سوی جدایی بکشاند، نقش حیاتی هوش هیجانی را در بقای ازدواج به اثبات می‌رساند (۹).

نتایج پژوهش Heaven & Smith, Ciarrochi در مورد ۴۵ زوج نشان می‌دهند که نه تنها هوش هیجانی عامل موثری در میزان رضایت زناشویی است بلکه در پیگیری یک ساله این زوجها، هوش هیجانی همچنان اثر نیرومندی بر رضایت زناشویی داشته است (۱۰). در پژوهشی که Malouf & Schutte، بر روی نمونه‌ای از همسران انجام دادند دریافتند، افرادی که نمرات برتری در هوش هیجانی بدست آوردند به نحو معنی‌داری از رضایت زناشویی بالاتری برخوردار بودند. همچنین نتایج پژوهش Berrocal & Extremera نیز حاکی از آن است که هوش هیجانی پیش‌بینی کننده رضایتمندی زناشویی است (۱۱).

زندگی فرزندان و حتی والدین شان نیز تأثیر می‌گذارد (۲). سالهاست به این واقعیت اشاره می‌شود، غالباً زوج‌هایی که در زمینه‌های مختلف مانند: عادات، سلیقه‌ها، موقعیت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خانواده اولیه و دیگر موارد تشابه داشته باشند، از رضایتمندی بیشتری برخوردار هستند (۱). رضایتمندی زوجی یکی از جوانب بسیار مهم یک نظام زناشویی است که همسران در ازدواج خود تجربه می‌کنند و می‌تواند نقشی بسیار مهم در استحکام و دوام آن داشته باشد (۳).

هاکینز، رضایتمندی زناشویی را احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط زن و شوهر، موقعی که تمام جنبه‌های ازدواج شان را در نظر بگیرند، تعریف می‌کند (۲).

در مطالعات مربوط به رضایت زوجی، دو دیدگاه مطرح شده است: نخستین دیدگاه، علل درون فردی سازگاری را مطرح می‌کند که نظریه پردازان صفت و روان تحلیل‌گری بیشتر طرفدار آن هستند. بدین معنی که ویژگی‌های شخصیتی شریک ازدواج باعث همسانی پایدار و رضایتمندی دو جانبه یا ناپایداری همراه با نارضایتی می‌شود. دیدگاه دوم، به مسایل بین فردی توجه دارد. این دیدگاه در بین روان‌درمانگران رفتار گرا، محبوبیت و جاذبه‌ی بیشتری دارد. براساس این دیدگاه، مشکل اصلی زوجهای مسئله دار به ناسازگاری زوجها برمی‌گردد بدین صورت که رفتارها به جای پاداش بیشتر تنبیه در پی دارند. چون در حقیقت همسران آشفته، در مهارت‌های اجتماعی خود ضعف دارند و در تماس با همسر خود، کنش‌ها و واکنش‌های رفتاری منفی زیادی نشان می‌دهند (۴).

هوش هیجانی یکی از مفاهیمی است که با رضایتمندی زناشویی رابطه دارد. ابداع مفهوم «هوش هیجانی» اولیه از طرف Mayer & Salovey در اوایل دهه ۱۹۹۰ در یک مقاله نظری صورت گرفت (۵).

می‌توان کفایت‌های اساسی درگیر در هوش هیجانی را شامل ادراک هیجان در خود و دیگران، فهم این هیجان‌ها، و اداره هیجان ذکر کرد، از آنجایی که فرض می‌شود این



۲- اعتیاد داشته باشند.
 ۳- قدرت درک زبان فارسی را نداشته باشند.
 ۴- یکی از زوجین تجربه‌ی طلاق یا جدایی را داشته باشد.
 داده‌ها از طریق مصاحبه و با استفاده از دو پرسشنامه هوش هیجانی Bar on و پرسشنامه‌ی رضایت زناشویی Enrich جمع‌آوری گردید. برای اجرای پرسشنامه‌های هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی، پس از هماهنگی‌های لازم با دانشگاه علوم پزشکی و کسب مجوز در خصوص در اختیار قرار دادن اسامی مزدوجین توسط مرکز مشاوره و تحقیقات سلامت زابل به محل سکونت مزدوجینی که با معیارهای ورود مطابقت داشتند، مراجعه کرده و پس از جلب همکاری آزمودنیها برای شرکت در پژوهش، در مورد پرسشنامه‌ها و هدف پژوهش، به آزمودنی‌ها توضیحات لازم ارائه شده و از آنها خواسته می‌شود ضمن مطالعه با دقت و صداقت به پرسشنامه پاسخ گویند.

پرسشنامه‌ی رضایت زناشویی انریچ:

این پرسشنامه به وسیله‌ی Olson و همکاران در سال ۱۹۸۹ در آمریکا، برای بررسی میزان رضایت زناشویی ساخته شده است و دارای ۱۱۵ سوال است و از ۱۲ خرده مقیاس تشکیل شده است. شکل کوتاه این پرسشنامه دارای ۴۷ پرسش است که به وسیله‌ی سلیمانیان هنجاریابی شده و ضریب اعتبار ۹۵ درصد بدست آمده است. برای هر یک از سوالهای این پرسشنامه پنج گزینه‌ی (کاملاً موافقم، موافقم، نه موافق و نه مخالف، مخالفم و کاملاً مخالفم) به صورت لیکرت منظور شده است. برخی از سوالهای این پرسشنامه به صورت مستقیم و بقیه معکوس نمره گذاری می‌شوند (۳).

Olson، ضرایب آلفای کرونباخ پرسشنامه انریچ را در خرده مقیاس‌های آن از ۰.۴۸ تا ۰.۹۰ درصد گزارش کرده است (۳).

عبدالله زاده در پژوهش خود که در مورد ۱۸۲ زوج شهر دامغان انجام داد آلفای کرونباخ پرسشنامه انریچ را

وقتی زن و شوهر از زندگی خود رضایت داشته باشند، خانواده از استحکام خوبی برخوردار می‌شود و آن‌ها می‌توانند با مسایل و مشکلات به درستی برخورد کنند و از آسیب‌ها در امان بمانند. بنابراین، چکار کنیم تا گرمی و شور زندگی پا برجا بماند و ارتباط صحیح زن و شوهر، باعث تداوم زندگی شیرین آنها گردد. از آن جایی که هوش هیجانی می‌تواند با رضایت زوجی رابطه داشته باشد و پژوهشی که رضایتمندی زوجین را در ابتدا ازدواج برآورد نموده باشد کم یا می‌توان گفت نایاب است، در این پژوهش سعی شده است تا به این مسئله پاسخ داده شود که آیا هوش هیجانی قدرت پیش‌بینی رضایتمندی را در زوجین جوانی که در ماه اول ازدواجشان هستند، را دارد یا خیر؟ امید است که یافته‌های این پژوهش بتواند نقشی موثر در استحکام و اعتلای هر چه بیشتر خانواده‌ها و کمک به مشاورین ازدواج در مشاوره‌های قبل از ازدواج ایفا نماید.

روش پژوهش:

این مطالعه از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه مورد مطالعه شامل ۲۰۰ نفر (۱۰۰ زوج) از افرادی بود که در ۶ ماهه اول سال ۹۱ به مرکز مشاوره مراجعه می‌کردند و با معیارهای ورود به این مطالعه مطابقت داشتند.

معیارهای ورود:

۱- بین ۱۸ تا ۳۰ سال سن داشته باشند.

۲- ساکن شهرستان زابل و حومه باشند.

۳- قصد زندگی زیر یک سقف را در ماه جاری داشته یا در ماه اول ازدواجشان باشند.

۴- اولین ازدواج زوجین مورد مطالعه باشد.

۵- از لحاظ فرهنگی و بومی زوجین، سیستانی یا بلوچ باشند تا نقش مداخله‌ای متغیرهای فرهنگی به حداقل برسد.

معیارهای خروج

۱- اختلال سایکوتیک و اختلال شخصیت بارز در آنها وجود داشته باشد.

یافته ها:

در این تحقیق که با هدف بررسی قدرت پیش بین هوش هیجانی و مولفه های آن بر میزان رضایتمندی زناشویی زنان و مردان انجام گرفت، تعداد ۲۰۰ نفر (۱۰۰ زوج) شرکت داشتند. یافته ها نشان می دهد که افراد مورد پژوهش بین سنین ۲۹-۱۸ سال و میانگین ۲۲/۵ سال می باشد و از نظر سطح تحصیلات پایین ترین مدرک، سیکل و بالاترین فوق لیسانس بودند که بیشتر افراد شرکت کننده در این پژوهش ۱۰۴ نفر (۵۲ درصد) دیپلمه بودند و همچنین از نقطه نظر قومیت ۱۶۴ نفر زابلی (۸۲ درصد) و ۳۶ نفر بلوچ (۱۸ درصد) بودند. در این پژوهش میانگین نمره هوش هیجانی برای مردان $170/58 \pm 21/44$ و زنان $170/58 \pm 18/03$ و همچنین میانگین نمره رضایتمندی برای مردان $183/5 \pm 23/12$ و زنان $180/82 \pm 20/40$ محاسبه گردید.

شاخص ها و آمارهای تحلیل رگرسیون نشان می دهد که همبستگی بین هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی در مردان $0/74$ می باشد و $0/54$ درصد واریانس تبیین شده رضایتمندی زناشویی مردان توسط هوش هیجانی پیش بینی می شود و همچنین همبستگی بین هوش هیجانی و رضایتمندی زناشویی در زنان $0/60$ می باشد و $0/36$ درصد واریانس تبیین شده رضایتمندی زناشویی زنان توسط هوش هیجانی پیش بینی می شود (جدول شماره ۱)

جدول ۱. شاخص ها و آمارهای تحلیل رگرسیون بین

رضایتمندی و هوش هیجانی

جنسیت	R ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی	مجذور ضریب همبستگی اصلاح شده	خطای معیار
مرد	۰/۷۴۳	۰/۵۵۲	۰/۵۴۸	۱۵/۵۵
زن	۰/۶۰۷	۰/۳۶۹	۰/۳۶۲	۱۶/۲۹

تحلیل واریانس رگرسیون نشان می دهد که تبیین رضایتمندی زناشویی در هر دو جنس زنان و مردان توسط هوش هیجانی در سطح 99 درصد اطمینان ($P > 0/001$) معنادار است. نمره F مردان $120/87$ و نمره F زنان

93 درصد گزارش کرده است و در مورد 35 زوج به فاصله 12 روز دوباره اجرا کرد. همبستگی اجرای نخست با اجرای دوباره این آزمون 78 درصد برای مردان و 83 درصد برای زنان بوده است (۱۲). روایی این آزمون به وسیله شمایی، 60 درصد و شریف نیا، 92 درصد و معتمدین، 65 درصد بدست آمده است (۲).

پرسشنامه هوش هیجانی:

این پرسشنامه که بر اساس مدل هوش هیجانی- اجتماعی Bar on که خود او ساخته است، یک مقیاس خودگزارشی برای ارزیابی رفتارهای مرتبط با هوش هیجانی و اجتماعی است. پرسشنامه هوش هیجانی Bar on از 117 گزینه تشکیل شده و هر گزینه نمره ای بین 1 تا 5 می گیرد (۱۳). در ایران (اصفهان) آزمون هوش هیجانی Bar on توسط سموعی و همکاران بصورت 90 سوالی هنجاریابی شده و پاسخهای آزمون نیز بر روی یک مقیاس پنج درجه ای در طیف لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، نه موافق و نه مخالف، مخالفم و کاملاً مخالفم) تنظیم شده است. این آزمون از 5 مولفه، درون فردی (خود آگاهی هیجانی، خود ابرازی، عزت نفس، خود شکوفایی، استقلال (بین فردی (همدلی، مسئولیت پذیری اجتماعی، روابط بین فردی (سازگاری (واقع گرایی، انعطاف پذیری، حل مساله (کنترل تنش (تحمل فشار روانی، کنترل تکانش) خلق و خوی عمومی (خوش بینی، خوشبختی) تشکیل شده است. ضریب پایایی پرسشنامه از طریق محاسبه آلفای کرونباخ برای کل آزمون $0/93$ و همچنین پایایی به روش زوج-فرد $0/88$ گزارش نموده است (۱۴).

بعد از جمع آوری اطلاعات، داده های بدست آمده به وسیله ی نرم افزار spss18 و با استفاده از آمارهای توصیفی و تحلیلی و رگرسیون چند متغیره مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند.



جدول ۳. شاخص ها و آمارهای تحلیل رگرسیون بین

رضایتمندی و مولفه های هوش هیجانی

جنسیت	مدل	R ضریب همبستگی	مجدور ضریب همبستگی	مجدور ضریب همبستگی اصلاح شده	خطای معیار	تغییر مجدور R
مرد	۱	۰/۶۷۵	۰/۴۵۶	۰/۴۵۱	۱۷/۱۳	۰/۴۵۶
	۲	۰/۷۴۴	۰/۵۵۳	۰/۵۴۴	۱۵/۶۱	۰/۴۹۷
	۳	۰/۶۶۲	۰/۵۸۱	۰/۵۶۸	۱۵/۱۹	۰/۴۲۸
زن	۱	۰/۵۳۹	۰/۲۹۰	۰/۲۸۳	۱۷/۲۷	۰/۲۹۰

میزان F محاسبه شده برای مردان ۴۴/۳۸ و برای زنان ۴۰/۰۶ می باشد که هر دو معنی دار می باشد (P > ۰/۰۰۱).

خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از این است که در مردان مدل ۳ (مولفه های کنترل تنش، بین فردی و درون فردی) با بالاترین میزان T، $t=9/61$ بیشترین توان پیش بینی تغییرات رضایت زناشویی و همچنین در زنان مدل ۱ (مولفه خلق و خوی عمومی) با T، $6/32$ بیشترین توان پیش بینی تغییرات رضایتمندی زناشویی را دارند. (جدول شماره ۴)

جدول ۴. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون بین رضایتمندی و

مولفه های هوش هیجانی

جنسیت	مدل	ضریب رگرسیون	ضریب معیار	خطای معیار	ضریب استاندارد رگرسیون	T	سطح معناداری
مرد	۱	مقدار ثابت	۱۰۵/۴۶۷	۸۷۷۵	-	۰/۱۹	۰/۰۰۰
		مولفه کنترل تنش	۱/۸۸۸	۰/۲۰۸	۰/۶۷۵	۹/۰۶۷	۱۲
	۲	مقدار ثابت	۵۲/۵۱۳	۱۴/۰۵۱	-	۳/۳۳۷	۰/۰۰۰
		مولفه کنترل تنش	۱/۳۸۲	۰/۲۱۹	۰/۴۹۴	۷/۲۹۶	۰/۰۰۰
	۳	مولفه روابط بین فردی	۱/۰۰۷	۰/۲۲۰	۰/۳۶۰	۴/۵۸۴	۰/۰۰۰
		مقدار ثابت	۳۰/۴۶۹	۱۶/۲۰۵	-	۱/۸۸۰	۰/۰۶۳
مولفه کنترل تنش		۰/۹۵۱	۰/۲۷۳	۰/۳۴۰	۳/۴۸۲	۰/۰۰۱	
زن	۱	مولفه روابط بین فردی	۰/۸۱۸	۰/۲۳۷	۰/۲۹۲	۳/۶۰۹	۰/۰۰۰
		مولفه درون فردی	۰/۴۸۴	۰/۱۹۱	۰/۲۵۹	۲/۵۳۵	۰/۰۱۳
	۲	مقدار ثابت	۷۳/۴۱۶	۱۷/۰۵۷	-	۴/۳۰۴	۰/۰۰۰
	مولفه خلق و خوی عمومی	۲/۲۴۶	۰/۳۵۵	۰/۵۳۹	۶/۳۱۹	۰/۰۰۰	

بحث و نتیجه گیری:

اهمیت حفظ بنیان خانواده در جامعه صنعتی امروز، بررسی عوامل موثر بر رضایتمندی زناشویی را بیش از پیش برجسته ساخته است. از این رو، در پژوهش حاضر قدرت

۵۷/۲۴ بدست آمده است. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون

حاکی از این است که هوش هیجانی توانسته سهم زیادی در تبیین رضایتمندی زناشویی در هر دو جنس زنان و مردان داشته باشد. (جدول شماره ۲)

جدول ۲. خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون بین رضایتمندی و هوش

هیجانی

جنسیت	شاخص آماری منبع	ضریب رگرسیون	خطای معیار	ضریب استاندارد رگرسیون	T	سطح معناداری
مرد	هوش هیجانی	۰/۸۰۱	۰/۰۷۳	۰/۷۴۳	۱۰/۹۹۴	۰/۰۰۰
	مقدار ثابت	۴۲/۸۲۱	۱۲/۸۹۰	-	۳/۳۳۲	۰/۰۰۱
زن	هوش هیجانی	۰/۶۸۷	۰/۰۹۱	۰/۶۰۷	۷/۵۶۶	۰/۰۰۰
	مقدار ثابت	۶۳/۶۰۱	۱۵/۵۷۸	-	۴/۰۸۳	۰/۰۰۰

در این پژوهش به منظور تبیین واریانس رضایت زناشویی بر مبنای مولفه های هوش هیجانی، از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. در این روش هر یک از مولفه ها بر اساس توالی وارد شده و سپس مقدار آن تعیین می شود. اگر اضافه شدن متغیر به مدل کمک کند، باقی می ماند و در غیر اینصورت حذف می شود. برای مردان ۳ مدل تشکیل می شود و به ترتیب مولفه هایی که بیشترین همبستگی را با رضایت زناشویی دارند وارد معادله می شوند. مدل ۱ (مولفه کنترل تنش)، مدل ۲ (مولفه کنترل تنش و مولفه بین فردی)، مدل ۳ (مولفه کنترل تنش، مولفه بین فردی و درون فردی) و برای زنان یک مدل شامل مدل ۱ (مولفه خلق و خوی عمومی) تشکیل می شود. نتایج مدل مردان نشان می دهد که ۴۵ درصد از واریانس رضایت زناشویی توسط مولفه کنترل تنش، ۵۴ درصد رضایت زناشویی توسط ترکیب مولفه های کنترل تنش و بین فردی و ۵۶ درصد رضایت زناشویی توسط ترکیب مولفه های کنترل تنش، بین فردی و درون فردی قابل پیش بینی است. همچنین همبستگی بین رضایتمندی زناشویی و ترکیب مولفه های کنترل تنش، بین فردی و درون فردی در مردان ۷۶ درصد می باشد. نتایج مدل زنان نشان می دهد که همبستگی بین رضایتمندی زناشویی و مولفه خلق و خوی عمومی در زنان ۵۴ درصد می باشد و ۲۸ درصد از واریانس رضایت زناشویی توسط مولفه خلق و خوی عمومی قابل پیش بینی است. (جدول شماره ۳)

بر مبنای یافته های Palmer و دیگران رضایت از زندگی از دستاوردهای ارزشمند هوش هیجانی است. هوش هیجانی با افزایش رضایت، وضعیت اجتماعی فرد را در زمینه های قاطعیت، صمیمیت و مسئولیت پذیری بهبود می بخشد و باعث کاهش مشکلات بین فردی می شود. در واقع هوش هیجانی با افزایش بهزیستی و گسترش دامنه سازش اجتماعی و هیجانی در کاهش مشکلات بین فردی و در نتیجه بهبود روابط تأثیر می گذارد(۱۱).

افراد دارای هوش هیجانی بالا تعامل های منفی کمتری با نزدیکانشان دارند(۱۸) و ارتباطهای مثبت با اعضای خانواده در آنان بیشتر است(۱۹). افرادی که هوش هیجانی بالا دارند، تمایل بیشتری به رویارویی با تنیدگیها دارند. این افراد در موقعیتهای تنیدگی از منابع فردی و اجتماعی خود بیشترین سود را می برند. هوش هیجانی بالا به این افراد کمک می کند که موقعیت تنیدگی را مهار کند و از دخالت عوامل هیجانی منفی پیشگیری کند(۲۰).

یافته های دیگر پژوهش حاضر نشان می دهد که هوش هیجانی در دو جنس متفاوت است هوش هیجانی در مردان ۵۴ درصد و در زنان ۳۶ درصد تغییرات رضایتمندی زناشویی را تبیین می کند. همانطوریکه ملاحظه می شود در این پژوهش، هوش هیجانی در مردان نسبت به زنان پیش بینی کننده بهتری برای رضایتمندی زناشویی می باشد.

یافته های تحقیق furnham نشان می دهد که نتایج آزمون های هوش هیجانی خود برآورد در زنان، کمتر از نتایج آزمونهای سنجشی از آنان است، که از این جهت با پژوهش حاضر هماهنگی دارد. این امکان وجود دارد که زنان شرکت کننده به دلایل فرهنگی و سوگیریهای محافظه کارانه کمتر از توانایی های خویش، خود را ارزیابی نموده باشند(۱۵).

نتایج پژوهش Berrocal & Extremera حاکی از آن است که هوش هیجانی پیش بینی کننده رضایت از زندگی است، به طوری که ۴۳ درصد تغییرات رضایت از زندگی را پیش بینی می کند (۱۱).

پیش بین هوش هیجانی و مولفه های آن بر میزان رضایتمندی زوجین جوان بررسی شد. همان گونه که مشاهده شد، بین هوش هیجانی و میزان رضایتمندی زناشویی در هر دو جنس(زن و مرد) در سطح آلفای ۱ درصد رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و سپس به ترتیب مولفه های کنترل تنش، بین فردی و درون فردی در مردان و مولفه خلق خوی عمومی در زنان بیشترین همبستگی را با رضایتمندی زناشویی دارد. همچنین بیشترین میزان ۱۵ عامل هوش هیجانی را در مردان عامل مسئولیت پذیری برآورد نموده است که زیر مجموعه مولفه بین فردی است و ۶۷ درصد همبستگی و ۴۵ درصد واریانس رضایتمندی زناشویی را به تنهایی تبیین می کند. منظور از مسئولیت پذیری، توانایی بروز خود بعنوان یک عضو دارای حس همکاری، موثر و سازنده در گروه می باشد(۱۴) این بدین معنی است که مردان با مهارت بالای اجتماعی می توانند با استفاده از روشهای موثر و مناسب، روابط بین فردی و خصوصاً روابط زناشویی را مدیریت نمایند و همسران قابل اعتماد و آرامبخش باشند(۱۷). و همچنین بیشترین میزان ۱۵ عامل هوش هیجانی را در زنان عامل خوشبختی برآورد نموده است که زیر مجموعه مولفه خلق عمومی است و به تنهایی ۵۴ درصد همبستگی و ۲۹ درصد واریانس رضایتمندی زناشویی را تبیین می نماید. منظور از خوشبختی، توانایی لذت بردن از خود و دیگران، است. زنان با احساس خوشبختی دارای احساسات مثبت، صریح، مفرح و شوخ هستند و از تعامل با دیگران احساس شادمانی می نمایند(۱۴). نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش بنجار (۱۶)، همخوانی دارد. نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که با افزایش هوش هیجانی میزان رضایتمندی زناشویی بالا می رود. پیش از این نیز پژوهش مهانیان و برجعلی (۱۱)، پژوهش شمسایی و نیکخواه (۱۱)، مهانیان(۱۵)، دوکانه ای(۱۶)، حسینی سده(۱۷)، عبداللهی و همکاران(۱۱)، رابطه مثبت و معناداری را بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی نشان داده بودند.



انجام شده است، بنابراین در تعمیم نتایج بایستی جانب احتیاط را رعایت کرد. بدیهی است که انجام پژوهشهایی با نمونه های وسیعتر امکان تعمیم نتایج را در سطح بالایی فراهم خواهد ساخت. همچنین پیشنهاد می گردد به زوجین آموزش جهت بهبود هوش هیجانی ارائه گردد و سپس از میزان تغییر رضایتمندی زناشویی بررسی بعمل آید.

تشکر و قدردانی:

با تشکر از همکاری دکتر جواد اکبری زاده ریاست محترم مرکز بهداشت زابل، کلیه پرسنل مرکز مشاوره بویژه سرکار خانم رقیه ذوقی، کاردانهای مراکز روستایی و همچنین زوجین شرکت کننده در این پژوهش که بدون همکاری این عزیزان پژوهش حاضر به سرانجام نمی رسید.

عوامل گوناگونی در رضایتمندی زناشویی نقش دارند و اغلب زوجها طی زندگی مشترک خود تغییراتی را در میزان آن تجربه می کنند. هوش هیجانی بعنوان یکی از عواملی است که در احساس رضایتمندی زوجین اهمیت دارد و تلاش برای ارتقا و کارآمد کردن این تواناییها از نظر عملی تا حدودی مشکلات نارضایتی زوجین را حل می کند.

یافته ها، اهمیت اقدامات آموزشی و مشاوره ای را نشان می دهند. می توان با فراهم آوردن زمینه های لازم برای افزایش هوش هیجانی زوجین جوان و یادگیری نحوه مقابله با استرسها و مشکلات، گام مفیدی برای ایجاد رضایت، ثبات و پایداری زندگی زناشویی برداشت. این آموزشها باید در کلیه سطوح و در پیش و پس از ازدواج اجرا شوند.

از محدودیتهای این پژوهش به تعداد کم آزمودنیها می توان اشاره نمود. همچنین این پژوهش در یک شهرستان

References:

1-Mosahebi M R. The relationship between similarity in personality traits and life satisfaction couple. *Journal of Psychology Research*. 2002; 11:118 -119. (persian)
 2- Askari P, Hafezi F, Gamshidi S. Documents relating to style and personality characteristics of marital satisfaction on Female nurses in Ilam. *Islamic Azad University of Ahvaz*. 2010;18-25. (persian)
 3-Fazel A , Hagh Shenas H, Keshavarz Z. The Predictive power of personality traits and life Style on a Couple satisfaction Women nurses in Shiraz. *Journal of Science - Research, Sociology of Women*. 2011; 2(3): 141-148. (persian)
 4- Bani Asadi H. The effect of effective individual –social factor on 32-marital satisfaction human science. *Journal of sistan & Bluchestan University*. 2002 ; 7- 29. (persian)
 5-Tirgarih A. Emotional intelligence and mental health, Approach, Prevention strategies and programs to improve marriage. *Journal of Research Social Welfare*. 2004; 5(14):99-101. (persian)

6-Bar on, R. Emotional intelligence and self-actualization. In Ciarrochi J., forgas J. P, & Mayer, J. D. (Eds.). *Emotional intelligence in everyday life*. Philadelphia: Taylor , Francis. 2001;331-335.
 7- Jalali A. Emotional intelligence .*Quarterly education*. Eighteen years. 2002; No 1: 89-95. (persian)
 8-Fitness J. Emotional intelligence and intimate relationships. In Ciarrochi J, forgas J, Mayer J D. *Emotional intelligence in everyday life*. Philadelphia: Taylor & Francis. 2001;98-104.
 9-Goleman D. *Emotional intelligence; why it can matter more than IQ*. New York: Bantam Books. 1995; 56-71.
 10-Smith L, Ciarrochi J, Heaven P C L. The stability and change of trait emotional intelligence, conflict communication patterns,and relationship satisfaction. *A one-year longitudinalstudy*. *Personality and Individual Differences*. No 45. 2008; 738-743.
 11-Abdollahi A, Kafee S.M, Shahgholian M. The relationship between emotional intelligence and styles of coping with marital satisfaction and harmony.

- Developmental psychology. Iranian Psychological. Seven years. No27. 2011; 279-284. (persian)
- 12- Esfandiari Tashviah F. Relationship of self-regulation and life style with eating attitude in fat and normal ones. M.A.distertation in general psychology Islamic azad university of marvdasht. 2009;45-48. (persian)
- 13-Fata L, Motabi F, Shakiba SH, Baroti E. Components of emotional intelligence - social as predictors of mental health. Journal of Psychological Studies. 2008; NO 15: 107-108. (persian). Available As: <http://www.noormags.com/view/Magazine/ViewPages.aspx?ArticleId=573616>
- 14-Samoei R. Translating and norms for emotional intelligence questionnaire among University Students esfahan. m. a Psychology. 2006; 9-10. (persian)
- 15- Mahanyan M, Borjali A, Salimizade k. The relationship between emotional intelligence and marital satisfaction. Psychology 39, the tenth year, fall2006;No 3: 308. (persian)
- 16-dokanei Fard F, Behbodi M, Khayat M. Contribution of each component of emotional intelligence in predicting marital satisfaction on Married women teachers in the city of Ilam. Journal - Education Management Research.No 5. 2010; 61. (persian)
- 17-Hoseni sade M, Fathi A. The role of emotional intelligence and its components in comparison with marital satisfaction and demographic variables. Psychology and religion. 2009; No 2:105. (persian)
- 18-Lopes, P. N., Salovey, P., & Straus, R.. Emotional intelligence, personality and the perceived quality of social relationships. Personality and Individual Differences. No 35. 2003; 641-658.
- 19-Mayer, J. D., Caruso, D. R., & Salovey, P. Emotional intelligence meets traditional standard for intelligence. Intelligence. No 27. 1999; 267-298.
- 20-Gerits, L., Jan, J. L., Derksen, A. B., & Verbruggen, M. K. Emotional intelligence profiles of nurses caring for people with severe behavior problems. Personality and Individual Differences. No 38. 2005; 33-43.

Archive

Predictive power of emotional intelligence and Components emotional intelligence on marital satisfaction of young couples

Bakhshani N. M.¹, **Imankhah R.**², Mojahed A.³, Heydari Mokarrar M.⁴

1- Associate professor of clinical psychology, Research Center for Children and Adolescents Health- Zahedan university of medical sciences- Department of clinical psychology

2- (**Corresponding Author**) Msc student of clinical psychology- Zahedan University of Medical Sciences - Department of clinical psychology (corresponding author)

3- Assistance professor of psychology- Zahedan University of Medical Sciences- Department of clinical psychology

4- Assistance professor of psychiatry - Zabol University of Medical Sciences

Abstract:

Background and Aim: It is believed that Emotional Intelligence (EQ) can affect on Marital Satisfaction (MS). This study was conducted to examine predictive power of EQ on marital satisfaction of young married people in Zabol city (southeast of Iran).

Method: A hundred of zaboli young couples (100 men and 100 women), who referred to marital counseling center of zabol, recruited non-randomly during spring and summer of 2012. Participants ranged in age from 17 to 40.

The information was collected using Emotional Intelligence Scale and Marital Satisfaction Inventory. For analyzing the data Pearson's correlation and regression analysis were employed.

Results: The findings showed positive and significant correlations between EQ and Marital Satisfaction (MS) for both women ($r = 607/0$, $p < 0001/0$) and men ($r = 743/0$, $p < 0001/0$). The predictive power of EQ for prediction of marital satisfaction was statistically significant and this predictive power was higher for men than for women. And also the components of the stress management, interpersonal and intrapersonal in men and component Public mood in women, highest were correlated with marital satisfaction.

Conclusion: Because of positive correlations between EQ and MS in young couples, the EQ, thus, must be considered as an important and influential variable for improving marital satisfaction of people who decide to marry. Focusing on EQ during assessment and providing counseling services for couples highly suggested.

Keys words: emotion intelligence , marital satisfaction , young couple.